



تعطیلات رسمی کشور آلمان



می توان کارکرد تعطیلات رسمی را در یادآوری رویدادها و اتفاقات ویژه - ملی و مذهبی - خلاصه نمود. در آلمان نیز بسان سایر کشورها چندین تعطیلات رسمی ثابت وجود دارد که بیشتر منشاء دینی و مسیحی دارند. برای مثال می توان به اعیاد پاک، عروج عیسی مسیح و عید پنجاهه اشاره کرد. می توانید در مورد این جشن ها توضیحات کامل و مبسوطی را در سایت „Deutschland-Begleiter.de“ بیابید. علاوه بر موارد فوق دولت آلمان تعطیلات دیگری را نیز به رسمیت می شناسد، برای مثال روز اتحاد آلمان و همچنین روز اول ماه „می“ - روز جهانی کارگر - که هر کدام ازین مناسبت ها خود یادآور یک رویداد سیاسی یا اجتماعی هستند.

در روزهای تعطیل اغلب مراکز کاری بسته بوده و بیشتر مردم مجبور نیستند سرکارشان حاضر شوند. در آلمان روز یکشنبه به عنوان روز تعطیل رسمی و زمان استراحت تعیین شده است و بدین ترتیب شهروندان می توانند از چرخه ی توامان کار و استراحت بهره ببرند. در واقع روز تعطیل „یکشنبه“ ریشه در باورهای مسیحیت داشته، باورهایی که قوانین آلمان و اروپا را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است.

روز اتحاد آلمان

پس از جنگ جهانی دوم، نظم جدیدی بر اروپا حاکم شد. رقابتی شدید میان دولت های کمونیستی در شرق اروپا تحت رهبری و نفوذ اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و کشورهای غرب اروپا به رهبری ایالات متحده ی آمریکا به وجود آمد. در نتیجه ی این تحولات، در سال 1949، آلمان به دو کشور جمهوری دموکراتیک آلمان سوسیالیستی (DDR) و جمهوری فدرال آلمان غربی (BRD) تقسیم شد. برلین نیز به مثابه ی پایتخت و با توجه به اهمیت استراتژیک آن بین دو کشور جدید بخش شد.

رشد سریع اقتصادی و البته آزادی های سیاسی بیشتر در آلمان غربی تحت حاکمیت دولت دموکراتیک موجب شد تا در سال های آتی بسیاری از شهروندان آلمان شرقی - DDR - به جمهوری فدرال آلمان غربی - BRD - مهاجرت و فرار کنند. در پی این وضعیت نهایتاً دولت آلمان شرقی و برای ممانعت از فرار اتباع خود در سال 1961 میان دو بخش برلین (آلمان و آلمان) دیواری با سیم خاردار و موانع مرگبار کشید. به این ترتیب تقسیم آلمان قطعی و کامل شد.



©Berliner Senat, Fotograf unbekannt

برای مدتی طولانی این تقسیم و وضع موجود غیرقابل تغییر به نظر می آمد. در آلمان شرقی، ایدئولوژی کمونیستی حکم دین و مذهبی اجباری را داشت. بنابراین، به ویژه مسیحیان سرکوب می شدند، این در حالی بود که مسیحیت و باورهای مسیحی در فرهنگ آلمان نهادینه شده و باور بخش عظیمی از مردم آلمان را تشکیل داده است. البته در مقابل مسیحیان نیز در دوران سرکوب دولتی، ایمان خود را همچنان حفظ کردند. به همین دلیل مقاومت و مبارزه به ویژه در کلیساها افزایش یافت، چنانچه می توان ادعا کرد „نماز صلح“ (نیایش برای صلح) در کلیسای نیکلای در لایپزیگ و بسیاری از شهرهای دیگر بخش مهمی از

مقاومت مردمی بود که در نهایت و در سال 1989 منجر به فروپاشی دیوار مرزی آلمان-آلمان شد.

سالها بعد هورست زیندرمان، یکی از سیاستمداران آلمان شرقی اذعان کرد: „ما برای احتمالات و گزینه های گوناگون آماده بودیم - بجز برای شمع و نیایش“. بلا فاصله پس از فروپاشی دیوار برلین نخستین صدای بلندی که شنیده شد، تمنا ی اتحاد مجدد دو بخش تقسیم شده ی آلمان بود. بدین ترتیب، در تاریخ 3 اکتبر 1990، آلمان توانست اتحاد مجدد خود را باز یابد. و اکنون برای یادآوری و گرامیداشت این رویداد ویژه، سوم اکتبر به نام روز „وحدت آلمان“ نامگذاری شده است و در این روز برای مثال، مردم مراسم شکرگزاری برگزار می کنند.



می 1



©Mummelgrummel, CC BY-SA 3.0

1 می در بسیاری از کشورها به عنوان «روز کار یا روز کارگر» جشن گرفته می شود. این مناسبت به جنبش اعتصابی کارگران در ایالات متحده باز می گردد، زمانی که کارگران در سال 1886 علیه شرایط نامناسب کاری خود دست به اعتراض و راهپیمایی زدند. آنها ناچار بودند روزانه 12 ساعت آنهم برای دستمزدی ناچیز کار کنند اما کارگران خواهان تصویب قانون هشت ساعت کار روزانه بودند. این اعتصاب عمومی چند روزه، با زد و خوردهای خشونت آمیز، انفجار بمب و کشته شدن چندین کارگر و پلیس همراه شد.

از سال 1890، این رویداد در اروپا بازتاب یافته و مورد توجه قرار گرفت. در بسیاری از شهرهای بزرگ، اعتصاب ها و تظاهرات هایی در جهت پشتیبانی از مبارزات کارگران برای بهبود شرایط کار برگزار شد که اغلب با واکنش شدید کارآفرینان، شرکت های بزرگ و دولت ها مواجه می شد. در آلمان نیز یک جنبش وسیع کارگری ظهور کرد، که به طور منظم و سالانه در اول ماه می و با پشتیبانی اتحادیه های کارگری علیه استثمار و بهره کشی و سرکوب و ستم تظاهرات و راهپیمایی ترتیب می دادند. بدین ترتیب از آغاز قرن بیستم این روز به عنوان تعطیل رسمی اعلام شده و لذا بیشتر مردم ناچار به حضور در محل کار نیستند.

امروزه، از میزان افراد شرکت کننده در مراسم و تظاهرات روز اول ماه می به شکل قابل توجهی کاسته شده است، چراکه برای بخش وسیعی از کارگران شرایط کار در مقایسه با گذشته به طرز چشمگیری بهبود یافته است. بنابراین اغلب افراد ترجیح می دهند از روز تعطیل خود به عنوان فرصتی جهت گردش و تفریح خانوادگی نهایت بهره را ببرند.

در مناطق روستایی، سنتی وجود دارد که بر اساس آن برای بزرگداشت روز اول ماه می در مرکز روستا «درخت می» نصب می شود که معمولا یا از تنه ی درخت غان یا یک صنوبر بوده و با روبان های رنگارنگ تزئین می گردد. در واقع می توان گفت در این نواحی نوعی جشنواره روستایی برگزار می شود که با اجرای «Blasmusik»، پوشیدن لباس های محلی و «رقص ماه می» همراه است.



عید «سیلوستر» و سال نو

1 هرچند جشن های «سیلوستر» و سال نو تنها چند روز پس از کریسمس برگزار می شوند با این حال نمی توان آنها را اعیاد مسیحی نامید. پیشترها مردم معتقد بودند که باید در این تاریخ خاص، یعنی آغاز سال جدید، ارواح شرور را فراری داده و دور کرد. ریشه ی این اعتقاد به سنت های آلمانی باز می گردد و البته با باورهای مسیحی پیوندی ندارد. مردم به منظور راندن ارواح شیطانی، آتش بازی و ترقه بازی به راه می اندازند که این رسوم تا امروز بر قوت خود باقیست.

در این میان، مردم عید شب سال نو یا «سیلوستر» را همراه با خانواده یا دوستان خود جشن گرفته و به استقبال سال نو می روند. آدم ها با همدیگر غذا می پزند، به بازی های گروهی و دسته جمعی می پردازند یا اینکه در کنار هم و در آرامش زمان را سپری می کنند. دیگرانی هم با مهمانی های پر سر و صدا و شلوغ که اغلب با مصرف زیاد الکل همراه است به پیشواز سال نو می روند. بسیاری از مردم در سیلوستر اهداف خود در سال جدید را فرمولبندی کرده و یادداشت می کنند. آری دقیقا افراد در نیمه های شب گیلای های شامپاین را به سلامتی هم سر می کشند، برای همدیگر بهترین ها را آرزو کرده و اغلب خدا را برای آغاز سال جدید شکر می کنند.

ضمنا باید یادآوری کرد که آتش بازی و ترقه بازی تنها در این روز و در محدوده و فضایی معین و برای یک جمع خصوصی مجاز می باشد. در سیلوستر تا نیمروز تعطیل رسمی محسوب می شود، هرچند تعطیلی اول ژانویه به طور کامل توسط قانون تایید شده است و لذا اکثر مردم مجبور نیستند کار کنند و بیشتر فروشگاه ها بسته اند.